

شناختنامه

صاحب امتیاز: امیررضا کاظمی

مدیر مسئول: سید مهدی شیرنگی

سرمدیر: سینا مرادحسینی

هیأت تحریریه:

سینا مرادحسینی

امیررضا کاظمی

منیره شیرآزاده

طراح جلد، صفحه آرایی و چاپ:

سینا مرادحسینی و امیررضا کاظمی

(گروه طراحی دانشجویگراف)



چرندنامه

دنیا دوروزه

- .
- .
- .

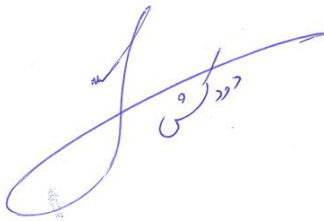
اونوقت ما چهار روز در هفته کلاس داریم

چرند و پرند:

عنوان سلسله مقالات
طنزآمیز، اجتماعی و
سیاسی به زبان عامیانه و
محاوره ای از علی اکبر
دهخداست که در ۳۵
شماره ی هفته نامه صور
اسرافیل، بین پیروزی
انقلاب مشروطه و شروع
استبداد صغیر در سوئیس
چاپ می شد.

و بابام نفهمه میگم از کنار دانشگاه رد شدم بو گرفتم. حالا بابام کلید کرده می خواد همین هفته بیاد رد شه ببینه بو میگره... از همین نشریه از دودکش های سیار تقاضا دارم شما رو به خدا من و بابام و دیدین خیلی سیگار و فوت کنین که بو بگیره تا دست از سر کچل من برداره.

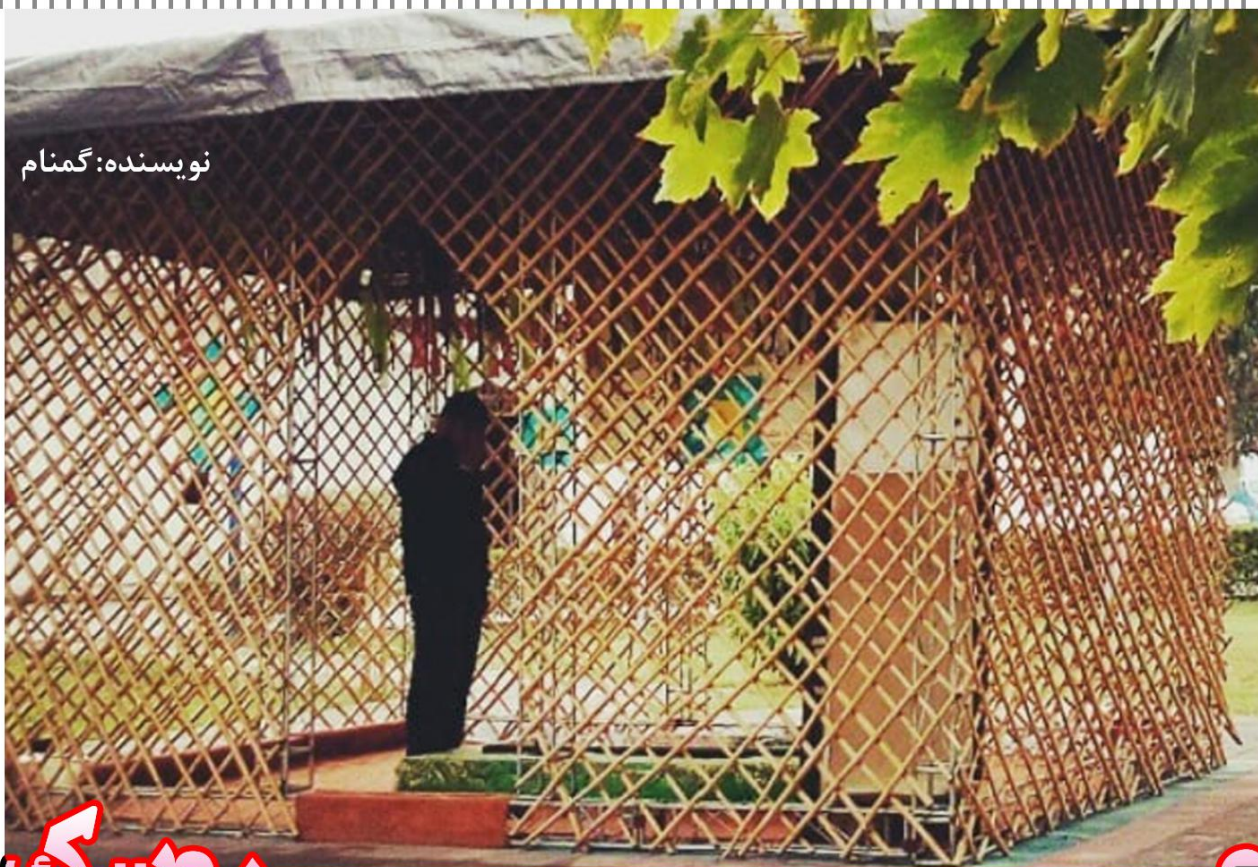
باتشکر




داستانی طنز درباره ی آسیب اجتماعی سیگار کشیدن دانشجویان پشت دیوار دانشگاه

من نمیدونم چرا سیگار کشیدن و تو دانشگاه آزاد نمیکنن. بابا به فکر جوون مردم باشید، این همه راه باید تا پشت دانشگاه برن، همه هم یکجا جمع میشن تا بکشن کل خیابون پشت دانشگاه همه ته فیلتر سیگاره، بیچاره اون رفتگر که نصف شب باید جارو کنه، تازه همسایه های ناراضی که بارها به حراست تذکر دادن، از ترس برای بچه هاشون سرویس میگیرن.

می شم بوی سیگار می گیرم و بابام همش بهم شک داره میگه سیگار میکشی؟ منم میگم نه فقط از کوچه رحیمی رد می شم بو می گیرم. بابام همش میگه با یه رد شدن که آدم بوی سیگار نمی گیره، خوراستم میگه، منم برای اینکه خودم می کشم



نویسنده: گمنام

عروسک

عروسک یعنی وسیله ای برای خودنمایی، ریا... یعنی تسبیح خالی چرخوندن، یعنی الکی پیس پیس کردن. یعنی...

وقتی بود یه صفای دیگه داشت. وقتی می رفتیم پیشش دلگرمی خاصی بهمون می داد. یچی میگم یچی می شنوی. قضاوت با اونایی که اون موقع رو حس کردن. راستش میدونی، بعضی چیزا چپ و راست و اینوری و اونوری نداره، ارزشش فارغ از جهت گیری های سیاسی؛ میشه گفت دلپه. آره دلی. مثل حریم صمیمی شهید حسین خان احمدی که بانئی درست شده بود.

آره بود، الان دیگه نیست. الان شده عروسک، یه حرم سنگی با چاشنی تجمل. ۲۰۰ میلیون (طبق شنیده ها)

هزینه ی ساخت برای چیزی که به ولله خود شهید خان احمدی هم به یک دهم این هزینه راضی نیست.

قبلا صفا داشت وقتی دو کلمه پیشش درد دل می کردی، خیلی دید نداشت که داری گریه می کنی. الان چی؟ آره حریم جای خودش رو به حرم داده. تازه اونم توی دانشگاهی که کتابخونه درست و حسابی نداره، جای سکوت صدای ظرف و تلق و تولوق میاد، سقف سوراخ خوابگاه رو با پلاستیک و چسب نواری ترمیم می کنن، تجمل واسه شهید از جان گذشته واجبه؟ دانشجوهاش بوق؟ این همه دانشجو ها اعتراض کردن

گفتن مانمی خوایم، عوضش به دانشجو های علی الخصوص دختر که برای خرج خوابگاه و تحصیل مجبور به ظرف شستن و کار کردن میشن کمک کنید (و هزاران مشکل و کارهای ناشایست که در شان دانشجو نیست)، توقع بیجاییه؟

واژه بی خرد واسه بانیان این حرم حق مطلب رو ادا میکنه. شهید باارزشه اما ۱۰۰ درصد با تجمل منافات ریشه ای داره، درست مثل کاخ امام خمینی (ره). اما کو گوش شنوا و کوچشم بینا!؟

عروسک یعنی وسیله ای برای خودنمایی، وسیله ای برای ریا، یعنی تسبیح خالی

چرخوندن، یعنی الکی پیس پیس کردن. یعنی... احترام اونجایی که با کفش بی حرمتی می کردن می گفتن موکت نو می ندازن.

به در و دیوار زدیم چون در جستجوی موکت نو نبودیم، بلکه در صدد اندیشه ای نو و متفاوت بودیم.

هیچ شکر که این آمد و ۱۰۰ حیف که آن رفت...

سه جشنواره متمرکز برای انجمن های علمی، کانون های فرهنگی و نشریات دانشجویی به ترتیب تحت عنوان حرکت، رویش و نشریات در سومین هفته فرهنگی دانشگاه گلستان در روزهای ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت برگزار گردید و به ضرس قاطع میشه گفت دستاوردی جز یونولیت شکافی برای دانشجو ها نداشت؛ البته این روبه نسبت هزینه ای که برای جشنواره کردن میگم. شرایط اقتصادی کنونی، هزینه های زیادی روبه دوش دانشگاه میذاره و برای این چنین جشنواره کم برکتی بجورایی پول دور ریخته.



جشنواره های یونولیتی

نویسنده: یونولیت

نقدی پیرامون سومین هفته فرهنگی دانشگاه گلستان

اکثر دانشجویان هم از این فرصت استفاده کردن و تا میتونستن برنامه های مفرح و وقت گذرون انتخاب کردن تا فقط ذیل یه جشنواره علمی و فرهنگی به قول معروف حال کنن. از انجام مسابقه پانتومیم و بیت باکس (بی ربط به اون انجمنی که برگزار کرده) گرفته تا پخش موزیک های غیر اخلاقی و بعضا مبتذل هم در فضای جشنواره و هم در یک دوتا از غرفه های فرهنگی. به اینها غرفه ای را اضافه کنید که دم از ادب می زنند اما غرفه ای شبیه به قهوه خانه درست کرده و با قاچ دادن کیک به رقص می پرداختند؛ یاد آن مثل معروف افتادم که می گفت: "ادب از که آموختی، از بی ادبان." گفته شده جشنواره برنامه محور شده است؛ اینکه چقدر از این برنامه ها اجرایی شده و اینکه این برنامه ها از چه کیفیتی برخوردار بودند نیز جای سوال است!

زیر پوست این اتفاقات در جشنواره قطعاً مسئولینی هستند که نظارت دارند اما به دلیل کمبود نیرو به قدری درگیر حواشی جشنواره می شوند که نمی رسند به وظایف خود عمل کنند؛ از جمله این حواشی، یونولیت دزدیست. در حقیقت کمبود کارشناسان حوزه فرهنگی این نکته را گوشزد می کند که با توجه به اهمیت، برنامه و حجم کار این حوزه، باید تعداد کارشناسان را افزایش داد.

اما به عنوان پیشنهاد بهتر نبود که به جای برگزاری جشنواره نمادین و کم برکتی چون هفته فرهنگی که هیچ دستاوردی جز غرفه آرایی و بطالت وقت نداشته است، تمامی هزینه های برگزاری را صرف جوایز می کردید؟ دانشجویی که فعالیت می کند و طبیعتاً باید مقداری از درسش هم بزند، ۳۰۰ هزار تومان جایزه است؟ اگر برای ساخت یک دست ساخت برای انجمن های دانشکده مهندسی یک جایزه ۸ میلیونی در نظر گرفته شود و یا شاخص های دیگری برای

والسلام